

گزیده ای از کتاب حکومت ولایی

کمتر از سه ماه پس از انتشار کتاب «حکومت ولایی» روانه اولین شدم، به حکم دادگاهی غیر قانونی که تنها مقوم و متکای آن ولایت مطلقه فقیه است، و البته به بهانه یک سخنرانی در ممنوعیت شرعی ترور و یک مصاحبه در ارزیابی کارنامه بیست ساله جمهوری اسلامی، هجده ماه زندان فرصت نیکویی بود برای لمس بیشتر حکومت ولایی. و این تجربه کماکان ادامه دارد. مجموعه «اندیشه سیاسی در اسلام» - که حکومت ولایی دومین کتاب آن است - علیرغم همه فشارها و تضییقات با کمی تأخیر ناخواسته ادامه دارد و جلد سوم آن «حکومت انتصابی» در آستانه انتشار است.

بخش سوم کتاب حکومت ولایی که متکفل لوازم و پیامدهای حقوقی، سیاسی و فقهی ولایت است، تاکنون منتشر نشده است، به این امید که با رفع موانع، چاپ آینده حاوی متن کامل کتاب باشد. از جمله مباحث این بخش ارزیابی حکومت ولایی با ضوابط حکومت‌های دموکراتیک و مردمسالار از سوی و با معیارهای حکومت‌های یکه‌سالار (autocratic) دیکتاتوری و استبدادی از سوی دیگر است. در همین راستا پرسیدنی است که آیا حکومت ولایی با مردمسالاری دینی سازگار است؟ واضح است که اضافه شدن صفاتی از قبیل دینی و اسلامی به مردمسالاری و جمهوری تقید به موازین دینی و اسلامی را به همراه دارد، اما نمی‌تواند به زیر پانهادن و نفی ذاتیات و مقوم‌ها و عناصر لاینفک مردمسالاری و جمهوریت منجر شود.

مردمسالاری (democracy) با مردمداری، توده‌گرا بی (populism) و عوام‌فریبی (demagogism) تفاوت دارد. اعتقاد به حق مساوی شهروندان در تعیین سرنوشت سیاسی و لزوم مشارکت آنان در حوزه عمومی به ویژه در دو محور تعیین خط‌مشی‌های کلان سیاسی و انتخاب مدیران و کارگزاران از مبانی مردمسالاری است. بر این اساس حوزه عمومی ملک مردم است و هیچکس بدون اذن و رضایت اکثریت شهروندان حق تصرف و دخالت در این حوزه را ندارد. مدیران سیاسی و کارگزاران خدمات عمومی وکیل مردم‌اند و موظفند به رأی و نظر موکلان خود عمل کنند. در جامعه‌ای که اکثریت شهروندان آن دینداران و خواستار رعایت ضوابط دینی در حوزه عمومی هستند مردمسالاری دینی امکان تحقق دارد و تا زمانی که اکثریت مردم و به تبع ایشان مدیران و زمامداران متعهد به ضوابط دینی هستند، استمرار خواهد یافت.

در حکومت ولایی، مردم مولی علیهم در مشروعیت حکومت دخالتی ندارند. حوزه عمومی متعلق به مردم نیست، «امر الناس» محسوب نمی‌شود، تا زمام آن به مردم سپرده شود و رضایت و نظر آنان لحاظ شود، بلکه این حوزه «امر الله» است، منطقه‌ای است که نحوه اداره و تدبیر آن را شارع باید مشخص کند و کرده است. شارع این حوزه را به فقیهان سپرده است. بنابراین هرگونه دخالت و تصرف در حوزه عمومی بدون اذن قبلی یا اجازه بعدی «ولی امر» ممنوع است. رهبر ولی بر مردم است نه وکیل از جانب مردم. لذا هیچ قانونی بدون نظارت استصوابی ولی فقیه یا منصوبین وی معتبر نیست، آنچنانکه هیچ مقامی ولو منتخب تمام مردم بدون تفهیم و مشروعیت ندارد. این مردم‌اند که می‌یابد خود را در حوزه عمومی با رأی و اراده ولی فقیه هماهنگ کنند. اینک ولی امر موظف باشد خود را با نظر و اراده ملی سازگار نماید. محوریت مردم در حوزه عمومی معنایی جز این ندارد. حکومت ولایی، ولایت فقیه و به زبان دقیق‌تر فقیه‌سالاری می‌تواند با مردم‌داری یا توده‌گرایی سازگار باشد، اما هرگز نمی‌تواند با مردمسالاری دینی جمع شود. قلب ماهیت مفاهیمی از قبیل جمهوریت

و مردمسالاری با پیوند دینی و اسلامی نوعی عوام‌فریبی و زیر پانهادن تقوای دینی و صداقت سیاسی است. «جمهوری اسلامی» برای استمرار، چاره‌ای جز وفاداری کامل به موازین «مردمسالاری دینی» و پالایش حشو و زوائد مزاحم ندارد.

مراد از ولایت

مراد از ولایت چیست؟ در قرآن و سنت ولایت به چه معنایی استعمال شده است؟ متکلمان، مفسران و به ویژه فقیهان از ولایت چه معنایی اراده کرده‌اند؟ به چه حکومتی حکومت ولایی اطلاق می‌شود؟ وجه تمایز حکومت ولایی با دیگر حکومت‌ها چیست؟ آیا مراد از ولایت در ولایت فقیه و حکومت ولایی همان ولایت عرفانی است؟ آیا مقصود از ولایت در ولایت فقیه و حکومت ولایی همان ولایت کلامی و ولایت اهل بیت (ع) است؟ آیا ولایت فقیه از اصول اعتقادی و ارکان مذهب و یا از مسائل کلامی است؟ آیا ولایت فقیه از بدیهیات عقلی و اولیات است؟ آیا ولایت فقیه ضروری دین یا ضروری مذهب است؟ آیا ولایت فقیه بر مردم ضروری فقه یا مورد اتفاق و اجماع فقیهان امامیه است؟ مراد از اصل عدم ولایت چیست؟ آیا ولایت فقیه بر مردم در حوزه عمومی با دیگر ولایت‌های شرعی مطرح شده در فقه، در اصل ولایت یکی است یا متفاوت است؟ اصولاً مراد از ولایت شرعی چیست؟ آیا ولایت شرعی بدون اولیاء و مولی علیهم ممکن است؟ ذاتیات و مقومات مولی علیه چیست؟ آیا فقه در حوزه عمومی بر مردم ولایت شرعی دارند؟ به چه دلیل فقیهان در حوزه عمومی به ولایت بر مردم منصوب شده‌اند؟ اذله قرآنی و روایی ولایت فقیه بر مردم کدام است؟ آیا ولایت فقیه بر مردم، دلیل عقلی (مستقل و غیر مستقل) دارد؟ آیا مردم بدون اذن قبلی یا تفهیم بعدی فقیهان صلاحیت دخالت و تصرف در حوزه امور عمومی را دارند؟ آیا مردم در حوزه امور عمومی ذی‌حق محسوب می‌شوند یا فاقد اهلیت تصرف در حوزه عمومی هستند؟ ولایت بر مردم با وکالت از مردم چه فرق‌هایی دارد؟ آیا در حکومت ولایی، ولی فقیه توسط مردم انتخاب و عزل می‌شود؟ آیا در حکومت ولایی، ولی فقیه در برابر مردم (یا نمایندگان مردم) مسئول است؟ آیا در حکومت ولایی، مردم بر عملکرد و حسن انجام وظایف ولی فقیه مجاز به نظارت نهادینه و قانونی هستند؟ آیا در حکومت ولایی ولی فقیه مقید به قانون اساسی است یا اینکه قانون اساسی با تفهیم وی مشروعیت می‌یابد؟ آیا می‌توان ولایت را عقد و معاهده بین مردم و حاکم دانست یا اینکه ولایت حکم الهی است؟ مردم در حکومت ولایی چه جایگاه و وظایفی دارند؟ ولایت فقیه بر مردم در حوزه عمومی دقیقاً از چه زمانی در فقه شیعه مطرح شده است؟ ولایت فقیه بر مردم از چه زمانی در فضای عمومی ایران، شعارهای انقلاب اسلامی و گفتارهای عمومی امام خمینی (ره) در رابطه با حکومت ولایی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در رابطه با حکومت ولایی همواره ثابت بوده است؟ جمهوری اسلامی با مشروطه سلطنتی و سلطنت مطلقه چه تفاوت‌هایی دارد؟ جمهوری اسلامی در چه زمانی و چگونه از سوی مبکر آن حضرت امام خمینی (ره) به مردم ایران معرفی شد؟ نسبت ولایت فقیه و جمهوریت چیست؟ اصل ولایت فقیه چگونه وارد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شد؟ چه طریقی برای سازگاری ولایت فقیه و حکومت ولایی با جمهوری اسلامی ارائه شده است؟

در پاسخ به سئوالات فوق و سئوالات مشابه، «حکومت ولایی» تدوین شده است. این کتاب عهده‌دار بحث از محور «ولایت» است. محور ولایت یکی از چهار

محور نظریه رسمی «ولایت انتصابی مطلقه فقیه» است. علاوه بر آن ولایت، محور مشترک دیگر نظریه‌های مبتنی بر مشروعیت الهی بلاواسطه (ربانی‌سالاری) یعنی نظریه سلطنت مشروعه، نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان، و نظریه ولایت انتصابی عامه شورای مراجع تقلید نیز هست. ولایت نوعی رابطه بین حاکم الهی و مردم است و حکومتی که رابطه خود را با مردم بر اساس ولایت پایه‌گذاری کرده، حکومت ولایی نامیده شده است.

حکومت ولایی از سه زاویه می‌باید مورد بحث، تحلیل و مطالعه واقع شود: اول مبادی تصوری ولایت، دوم مبانی تصدیقی ولایت و سوم پیامدها، لوازم، ریشه‌ها و احکام ولایت. آنچه در این کتاب عرضه شده تنها دو ثلث از مباحث حکومت ولایی یعنی زاویه اول و دوم است. بررسی زاویه سوم به علل و عواملی به مجلدات بعدی این مجموعه منتقل شده است.

حکومت ولایی نخستین جلد از مباحث تحلیلی «نظریه ولایت انتصابی مطلقه فقیه» است. لذا در این مجلد ما به انتصاب، اطلاق و فقهات نیرداخته‌ایم. شناخت همه‌جانبه این نظریه محترم علاوه بر «حکومت ولایی» در گرو انتشار دیگر مباحث آن یعنی «حکومت انتصابی» «حکومت مطلقه» و «امداری فقیه و مدیریت فقهی» است.

مناسب می‌دانم در این مجال به مختصات منظری که نویسنده بر اساس آن به «حکومت ولایی» پرداخته است، به طور مختصر اشاره کنم:

۱. تعالیم متعالی اسلام که سعادت حقیقی انسان در گرو آن است شامل اصول و احکام فردی و اجتماعی است.
۲. اقامه حکومت دینی در تحقق اهداف عالی دین و اجرای احکام فردی و اجتماعی اسلام تأثیر جدی دارد.
۳. حکومت دینی در عصر غیبت معصوم امری ممکن است.
۴. حکومت دینی حکومتی است که اولاً در سیاست‌های کلان خود اهداف متعالی دین را دنبال می‌کند، ثانیاً قوانین آن منافاتی با احکام شریعت ندارد، ثالثاً مبتنی و برخاسته از رضایت اکثریت دینداران است و رأی مردم در حوزه مباحث و منطقه‌القرآح میزان است.
۵. الگوی حکومت دینی در عصر غیبت معصوم (ع)

تعبیدی، توقیفی و تأسیسی نیست و بر اساس عقل جمعی مسلمانان و تجربه بشری تعیین می‌شود. عمر در جامعه و زمان ما «جمهوری اسلامی» الگوی مناسب حکومت دینی به حساب می‌آید. اندیشه سیاسی ما راه درازی در پیش دارد. آنان که می‌پندارند رسیده‌اند، از عظمت مقصد و صعوبت راه بی‌خبرند. سئوالات فراوانی فراروی ماست. برخی از این سئوالات در این کتاب مطرح شده و با روش تحلیل انتقادی و بر اساس ضوابط فقهی، حقوقی و اندیشه سیاسی پاسخ داده شده است. ▲

- ناظران غربی
- کدیور
- سروش
- اشکوری و نوری
- و البته خاتمی را
- مارتین لوترهای
- آینده ایران می‌دانند
- غافل از اینکه
- آنچه ایران
- بدان نیاز دارد
- یک لوتر پروتستان
- نیست
- یک هیوم شکاک
- است

